

۴ شهرالقول ۱۶۰

۲۶ نوامبر ۲۰۰۳

یاران و یاوران حضرت رحمن در کشور مقدّس ایران ملاحظه فرمایند.

ای دوستان محبوب،

بیش از یکصد و بیست و پنج سال پیش حضرت عبدالبهاء رساله‌ای خطاب به ملت ایران صادر فرمود. از آنجا که جامعه جدیدالبنیان بهائی گرفتار تعصبات بی‌امان در آن سامان بود صاحب آن کلام آسمانی از ذکر نام مبارک خویش بر آن صحیفه یزدانی امتناع ورزید اما پیام هیکل اطهر کاملاً صریح و روشن بود. حضرتش با مهری بی‌کران نسبت به وطنی که از زمان صباوت به علت تبعید از دیدارش محروم مانده بود با لحنی پرشور از مردم ایران درخواست نمود که خرم‌روزگاران خوش پیشین را به خاطر آرند، زمانی که "مملکت ایران به منزله قلب عالم" و "مرکز علوم و فنون جلیله بود و منبع صنایع و بدایع عظیمه و معدن فضائل و خصائل حمیده انسانیّه". طلعت میثاق وراث آن مدنیت عظیم را دعوت فرمود که بپاخیزند و سمند همت در میدان غیرت برانند و استیفای میراث مرغوب کهن نمایند.

در آن رساله گرانها حضرت عبدالبهاء با بصیرتی کامل مسئله تجدد را که امروزه نیز مشغله ذهنی مردمان جهان به خصوص ملل مسلمان است مطرح فرمود و مفهوم تجدد و خصائص این انقلاب فرهنگی از جمله حکومت مردم‌سالاری، حاکمیت قانون، تعلیم و تربیت عمومی، رعایت حقوق بشر، پیشرفت اقتصادی، همزیستی و بردباری بین اهل ادیان، ترویج علوم و فنون و صنایع مفیده و تأمین رفاه اجتماعی را با دقت و صراحت تشریح نمود و بعد از بررسی "امور ظاهره جسمانیّه" و "اسباب تمدنیّه" خاطر نشان ساخت که منظور مبارکش تقلید کورکورانه از تمدن مغرب زمین نبوده و نیست. بالعکس آن بدر لامع با بیانی قاطع جوامع اروپا را مستغرق در بحر نفس و هوی و گرفتار در دام بینشی ماده‌گرا خواند و انداز فرمود که این بینش سرانجامی جز ناکامی و ثمری جز نافرجامی از پی نداشته و نخواهد داشت:

حال انصاف دهید که این تمدن صوری بدون تمدن حقیقی اخلاقی سبب آسایش و راحت عمومی و وسیله اجتلاب مرضات الهی است و یا خود مخرب بنیان انسانیت و مدّم ارکان آسایش و سعادت است.

حضرتش به خوانندگان آن رساله مبارکه توصیه فرمود که در بررسی مسئله تجدد ناظر به باطن امور باشند. جوهر کلام مبارک آنکه عامل اصلی پیشرفت تمدن انسانی در طی قرون و اعصار قوای فعّاله مقلّبه عقل و دانش بوده و هست و عنوان آن صحیفه مبارکه یعنی رساله مدنیّه نیز بهمین مطلب اشاره دارد. هیکل مبارک چه در ضمن بررسی حوادث و تحولات تاریخی و چه در تبیین فقراتی از آیات قرآن مجید مخاطبانش را تشویق فرمود که درخصوص آن عطیّه کبری که سبب ترقّی حقیقی عموم بشر است تأمل نمایند:

به دیده بصیرت ملاحظه نمائید که این آثار و افکار و معارف و فنون و حکم و علوم و صنایع و بدایع مختلفه متنوعه کلّ از فیوضات عقل و دانش است. هر طایفه و قبیله‌ای که در این بحر بی‌پایان بیشتر تعمق نمودند از سائر قبائل و ملل پیشترند. عزّت و سعادت هر ملّتی در آنست که از افق معارف چون شمس مشرق گردند.

رساله مدنیّه تجلیلی است از نقش خلاقه عقل و دانش در پیشرفت تمدن انسانی. حضرت عبدالبهاء ترقّیات علمی و صنعتی را به عنوان یکی از مهمترین فیوضات این لطیفه ربّانیّه ممتاز و مشخص فرمود و خوانندگان آن سِفر جلیل را تشویق نمود که درباره نتایج و فوایدی که اقتباس معارف و فنون مفیده از سایر نقاط عالم نصیب ملّت ایران خواهد کرد تأمل کنند. حضرتش تأکید فرمود که تحقیقات و اکتشافات سودمند منبعث از خرد انسان است و ایجاد موانع فرهنگی و ملّی برای محدود کردن این قوه کاشفه خلاف عقل و منطق. پیشرفتهای و توفیقات حاصله متعلّق به تمامی افراد بشر است و اقتباس و استفاده از آنها نه از قدر و منزلت مقتبس می‌کاهد و نه از قلت استعداد و ظرفیت او حکایت دارد.

هیکل مبارک تنها به شرح نکات فوق اکتفا ننمود بلکه توجه خوانندگان را به آن قوای روحانی که باید بینش انسان را هدایت و دلالت کند معطوف ساخت. حضرتش با بیانی دقیق به نقد عقاید واهی‌ای درباره سرشت انسان که در سائر بلاد ثمری جز خسران به بار نیاورده بود پرداخت. با اشاره به اینکه "بعضی نفوس چنان گمان کنند که ناموس طبیعی انسان مانع ارتکاب اعمال قبیحه و ضابط کمالات معنویّه و صورتیه است" متذکر گردید که در حقیقت ارتفاع مقام و ترقّی هر نفسی منوط به تعلیم و تربیت است و بدین منوال تعلیم و تربیت را به عنوان قانونی ضروری برای ترقّی بشر و پیشرفت جامعه لازم شمرد. شواهد بیشماری گواه این حقیقت است که عامل اصلی در تهذیب اخلاق نه خرد فطری بلکه تأثیر ظهور مظاهر الهیه در روح انسان است و در اثر تعالیم آن مشارق قدسیّه اهل عالم توان آن یافته‌اند که با کفایت و آگاهی منابع مادی و فنون حاصله از اختراعات علمی را در خدمت رفاه و بهبود نوع بشر بکار برند. مظاهر مقدّسه

الهیّه هستند که در هر عهد و عصری معنی و مفهوم تجدد را تعیین و مقتضیات آن را مشخص می‌فرمایند. ایشانند که مرتباً حقیقی نوع انسانند:

فوائد کلیّه از فیوضات ادیان الهیّه حاصل زیرا متدینین حقیقی را بر صدق طوئیت و حسن نیت و عفت و عصمت کبری و رأفت و رحمت عظمی و وفای بعهد و میثاق و حریت حقوق و انفاق و عدالت در جمیع شئون و مروّت و سخاوت و شجاعت و سعی و اقدام در نفع جمهور بندگان الهی باری به جمیع شیم مرضیّه انسانیّه که شمع روشن جهان مدنیّت است دلالت می‌نماید.

*

وقایع و حوادث عصر حاضر بطور شگفت‌انگیزی مؤید تشخیص و تجویز حضرت عبدالبهاء بوده است و این امر ما را بر آن داشت که در سطور فوق باختصار مروری بر پیام نافذ طلعت میثاق نمائیم. حقایقی که حضرتش در آن رساله مبارکه بودیعه گذاشت هم بر موقعیت کنونی ملت ایران پرتو می‌افکند و هم تأثیرات این موقعیت را در جامعه پیروان جمال اقدس ابهی در آن کشور نیک‌اختر مشخص می‌نماید.

حضرت مولی‌الوری از مردم ایران و اولیاء امور آن کشور خواست که دیده بصیرت بکشایند، از تقلید نفوس متوهّمه بپرهیزند، تغییر و تحوّل اساسی در طرز تفکر و رفتار فردی و اجتماعی را لازم شمرند، به فکر بزرگواری و عزّت خود بین ملل و طوائف عالم باشند و با وجدانی آگاه و تمسک به خشیه الله دست بدست هم داده احتیاجات مملکت را دریابند و منافع شخصی را فدای مصالح عامّه نمایند. اما آن عزیزان به خوبی مستحضرند که نصائح آن مولای توانا با بی‌اعتنائی روبرو شد. کشور ایران که در دام استبداد فرسوده قاجار و پنجه زمامداران بی‌لیاقتش اسیر و گرفتار بود بیش از پیش در مرداب نادانی و انحطاط فرورفت. سیاستمداران فاسد رشوه‌خوارش بر سر بهره‌گیری از ثروت رو بزوال کشوری که در آستانه ورشکستگی بود به رقابت با یکدیگر ادامه دادند. ملّتی که در گذشته ایام برخی از بزرگترین رهبران و متفکران در تاریخ فرهنگ و تمدن جهان چون کورش و داریوش، جلال‌الدین رومی و حافظ شیرازی، ابن سینا و زکریای رازی را در دامن خود پرورده بود قربانی اقدامات طبقه روحانیون جاهل و مغرضی شد که تأمین و تداوم حقوق و امتیازات خود را در این می‌دید که خلق ناتوان را از آنچه نشانی از ترقی و تجدد داشت به هراس اندازد.

پس عجب نیست که مردی سپاهی و طالب نام و نشان با استفاده از هرج و مرج ناشی از جنگ جهانی اول زمام قدرت را بدست گرفت و حکومتی مبتنی بر استبداد نظامی تشکیل داد. در نظر او و

جانشینش نجات ایران از آلام بی‌شمارش منوط به اجرای برنامه‌هایی منظم برای اشاعه تمدن غرب بود. دولت جدید ملی برای پیشبرد هدف مزبور به تأسیس مدارس و مشروعات اجتماعی و استخدام کارمندان کارآموده و تشکیل ارتشی مجهز اقدام نمود. سرمایه‌گذاری خارجی را به عنوان وسیله‌ای برای توسعه منابع چشمگیر ملی تشویق و ترویج کرد. زنان را از قیود شدیدی که مانع از پیشرفتشان بود رهایی بخشید و امکاناتی جهت تحصیل و کسب علوم و حرف و فنون برای آنها فراهم آورد. هرچند مجلس هیچ‌گاه صاحب قدرت و اختیارات لازمه نشد اما امید آن بود که روزی پشتوانه حقیقی برای حکومتی بر اساس رضایت و انتخاب ملت گردد.

اسفا که این اقدامات درد جامعه را درمانی مؤثر نشد. با استفاده از منابع نفتی، ثروتی سرشار به میزانی ورای تصور بدست آمد اما از آنجا که نظام موجود بر اساس عدالت فردی و اجتماعی استوار نبود نتیجه این ثروت تمول مفرط برای اقلیتی خودخواه و مزیت طلب شد حال آن که اوضاع عامه مردم فقط اندکی بهبود یافت. خاطرات گذشته‌ای پرشکوه تجدید شد و نمادهای نفیس فرهنگی به جلوه درآمد تا ابتذال عمیق جامعه‌ای را بیوشاند که پایه اخلاقیش بر شنزار حرص و جاه‌طلبی استوار گردیده بود. در این جامعه هرگونه اعتراضی با سرکوبی شدید نیروی امنیتی که بدون هیچ‌گونه نظارت قانونی عمل می‌نمود مواجه می‌شد.

در سال ۱۳۵۷ شمسی مردم ایران بساط آن حکومت مستبد را برچیدند و آن را به همراه دعاوی پوچ کاذبش به وادی فراموشی سپردند. انقلابشان دستاورد اتحاد گروه‌های متعدّد اما نیروی محرکه‌اش آرمان‌های اسلام بود. مسئولین و اولیاء انقلاب به مردم وعده دادند که به جای لذت‌جوئی عنان‌گسیخته وقار و نجابت معمول خواهد شد. نابرابری‌های شدید طبقاتی و اختلاف فاحش میان فقیر و توانگر با توسل به روح دوستی و برادری التیام خواهد یافت. منابع طبیعی که دست پروردگار بآن اقلیم پرانوار ارزانی فرموده متعلق به جمیع مردم ایران بوده و جهت ایجاد کار و فراهم‌ساختن امکانات تحصیل برای همگان صرف خواهد شد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مدعی تساوی حقوق همه مردم آن کشور است وضع گردید و مقرر شد که حکومت با وجدانی بیدار بکوشد تا ارزش‌های روحانی را با اصول آزادی و مردم‌سالاری پیوند دهد.

حال پس از گذشت قریب بیست و پنج سال باید دید که اکثر مردم ایران به چه سان از تحقق وعده‌های انقلاب سخن می‌گویند. امروز فریاد نارضایتی و خشم جوانان و اعتراض علیه شیوع فساد، دسیسه‌های سیاسی، سوء رفتار با زنان و سرکوب کردن اندیشه و اندیشمندان و عدم رعایت حقوق بشر از هر

گوشهٔ ایران به گوش می‌رسد. شایان تأمل است که استناد به مرجعیت قرآن مجید برای توجیه سیاست‌هایی که به چنین اوضاعی انجامیده چه تأثیری بر افکار و روحیهٔ ملت می‌گذارد.

*

حلّ بحران مدنیت ایران نه در تقلید کورکورانه از فرهنگ سقیم غرب است و نه در بازگشت به جاهلیت قرون وسطی. راه نجات را در آستانهٔ این بحران، نجل بزرگوار همان سرزمین که امروز جز در موطن مقدّس خویش در جمیع قارّات عالم مورد تعظیم و تکریم است با کلامی نافذ و رسا بیان فرمود. چه خوش گفته شاعر که ”دوست در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم“. نمونه‌ای از تقدیر و تکریم مردم جهان از مقام حضرت بهاءالله را می‌توان در مراسمی دید که در روز ۲۹ می سال ۱۹۹۲ میلادی در جلسهٔ رسمی پارلمان برزیل به مناسبت سالروز صدمین سال صعود آن حضرت منعقد شد و ضمن آن از مقام بنیانگذار آئین بهائی و تعالیم مبارکه‌اش و خدماتی که جامعهٔ پیروانش به نوع بشر ارزانی داشته تجلیل گردید. در آن روز سخنگوی مجلس و نمایندگان جمیع احزاب بپاخاستند و یکی بعد از دیگری آن مظهر ظهور الهی را در بیانات خویش ستودند و حضرتش را آفرینندهٔ ”عظیم‌ترین مجموعهٔ آثار دینی که تاکنون به قلم یک فرد تألیف شده“ خواندند و پیام مبارکش را پیامی ”برای جمیع نوع بشر و برای تفاوت‌های بی‌اهمیت نژادی، مذهبی و ملی“ توصیف نمودند.

اما پاسخ موطن و زادگاه آن وجود مقدّس که نفوذ و تأثیرات ظهورش چنان عزّت و منقبتی برای نام ایران بارمغان آورده چه بوده است؟ از اوایل قرن سیزدهم هجری که جمال مبارک به قیادت امر الهی قیام فرمود با آن که سخاوت و حکمت و بصیرت خدادادیش زبانزد خاص و عام بود آماج تیر بلا و گرفتار دام جفا گردید. نیاکان و پیشینیان شما ندای یار مهربان را لبیک گفتند و بدین عزّت بی‌پایان معزز گشتند که در ابتلائات آن مولای علیم شریک و سهیم شوند. از آن گذشته پرافتخار تا بحال شما عزیزان نیز پیوسته بر امر جمال کردگار وفادار مانده‌اید و جان و مال خود را در سیل انتشار نفعات مشکبار آئین یزدان ایثار نموده‌اید. پیامی را که عامل ایجاد مدنیتی جدید و فرهنگی بدیع در جامعهٔ بشری است به دورترین نقاط جهان رسانیده‌اید، حال آنکه در وطن خود معرض بهتان و گرفتار آزار اهل عدوان و تحقیر و توهین مخالفان بوده‌اید. به جرأت می‌توان گفت که هر خانوادهٔ بهائی در ایران از این تضییقات و صدمات بی‌امان سهمی داشته است.

بی‌تردید یکی از شدیدترین لطمات وارده بر پیکر امر الهی تهمت و افتراء نسبت به امر جمال ابهی از جانب نفوسی بوده است که عامّهٔ مردم ایران می‌بایست به آنان به عنوان مرجع تقلید در امور روحانی و اخلاقی روی آورند. بیش از یکصد و پنجاه سال است که هر وسیلهٔ ارتباط جمعی، اعم از مساجد و منابر،

مطبوعات و جرائد، رادیو و تلویزیون، حتی انتشارات علمی را برای تحریف حقیقت آئین بهائی بکار گرفته‌اند صرفاً به این منظور که در بین عامه مردم حس خصومت و تحقیر و مخالفت و بیزاری نسبت به جامعه بهائی بوجود آورند. معاندین از ذکر هیچ تهمت‌ی ابا نکرده‌اند و از گفتن هیچ دروغی دریغ نرزدند. در این سالیان دراز هرگز بان عزیزان مظلوم فرصت و موقعیتی داده نشد که به دفاع از خود بپاخیزند و با بیان حقایق دسائسی را که جهت مسموم ساختن اذهان ملت طرح کرده و می‌کنند برملا سازند.

ذکر يك نمونه از این مفتریات ماهیت این عناد را روشن می‌سازد. یکی از برجسته‌ترین توفیقات بیشمار امر الهی آنکه نسلهای متوالی پیروان جمال ابهی در ظلّ تعالیم مبارکه حضرتش به والاترین مدارج اخلاقی در حیات روزمره خویش نائل گشته‌اند. این ادعا را حاجتی به برهان نیست. حیثیت و اعتباری که جامعه بهائی در سراسر جهان در میان عامه مردم و دول و دوائر بین‌المللی بدست آورده شاهدهی است صادق بر این مدعا و صدها هزار نفر از هموطنان عزیزتان که از نزدیک با خلق و خوی اهل بهاء آشنائی دارند نیز بر این گواهند. باوجود این، دشمنان شما در ایران به صرف کینه‌ای عنان‌گسیخته هر فتنه و فساد و خطائی را به آن مظلومان نسبت دادند. ذکر این اتهامات در جوامع آزادی که امر مبارک در آن اشتهار یافته صرفاً مبین وقاحت ذهن مفتریان است.

علاوه بر فعالیت‌های منظمی که برای بدنام کردن جامعه بهائی صورت گرفت سیاست‌هایی نیز اتخاذ گردید تا نفوس منصف و مطلعی را که مایل بودند باعانت یاران الهی در آن سامان برخیزند به هراس انداخته و از این امر بازدارند. ستمکاران بی‌انصاف شما را در انظار عام عواملی خطرناک برای جامعه جلوه دادند و هر که را که به مددتان آمد بهائی خوانده بزعم خویش غیرقابل اعتمادش شمردند و دامنه جعل اکاذیب و تحریف حقایق را تا بدانجا گسترده کردند که با جسارت تمام بعضی از مخالفان امر الهی را نیز از حامیان مخفی آن قلمداد نمودند. آیا مدعی نشدند که یکی از نخست‌وزیران کشور که پدرش بسبب دخالت در امور سیاسی و حزبی از جامعه بهائی طرد شده بود و خود نیز برای اثبات عدم وابستگی به امر بهائی به هر وسیله‌ای متوسل و باعث مشاغل عدیده برای احبای ایران گردید بهائی بود؟

سرکوب‌گران جبّار به ایراد تهمت و بهتان اکتفاء نکردند بلکه از بدو ظهور هرگاه فرصتی یافتند به قلع و قمع جامعه اسم اعظم پرداختند. در سالهای اخیر نیز عده‌ای از شریف‌ترین زنان و مردانی را که ید قدرت و مرحمت جمال قدم در بوستان امر اعظم پرورده و به ماء معین استقامت و ایمان سقاییت فرموده بود به بهانه‌هایی که در نظر خردمندان بدرهمی نمی‌ارزد در زندان‌های مخوف مسجون ساختند، با شکنجه‌های شدید آزرده و پس از محاکمه‌های تصنعی و نمایشی به قتل رساندند و اموالشان را به مدد اراذل و اوباشی که محافظ منافع آن ستمگران هستند به تاراج بردند. محافل روحانی را که نمونه‌های بارز مؤسّسات

انتخابی برای تمشیت امور جامعه در آن سرزمین بود مستبدانه منحل نمودند، بعضی از اعضایشان را ربودند و نشانی از آن برگزیدگان جامعه بجا نگذاشتند. چه بسیار از کودکان که یتیم شدند، چه بسیار از جوانان که برنامه‌های تحصیلی و معیشت خویش را نقش بر آب دیدند، چه بسیار از سالمندان که بی‌خانمان شده و از حقوق تقاعدشان، پاداش عمری کار و کوشش صادقانه، محروم گشتند. حتی برخی از گلستان‌های جاوید بهائی را که سالیان دراز در نهایت زیبایی و حسن ترتیب از آنها نگهداری شده بود بطرزی قبیح ویران کردند و چه بسیار پدران و مادرانی که مجبور شدند اجساد متلاشی شده فرزندانشان را در قطعه زمین باثری که جهت تدفین اموات بآنان واگذار شده بود دفن نمایند.

دشمنان شما آماده‌اند که با ملاحظه کمترین اسائه ادبی نسبت بیکی از اماکن مقدسه اسلام بانگ اعتراض خود را باآسمان رسانند، و در این امر البته محقند، اما هر هتک حرمتی را نسبت باماکن مقدسه بهائی در کشور ایران روا میدانند. مگر بیت مبارک حضرت اعلی در شیراز زیارتگاه بهائیان عالم به دستور علماء و به دست عمال دولت با خاك يكسان نشد و به نشان نهایت درجه اهانت هموار نگشت؟ حضرت بهاءالله درباره کسانی که دستشان باین مظالم و اعمال شرارت‌بار آلوده است می‌فرمایند: "قسم بامواج بحر بیان که دین از آن نفوس بیزار بوده و هست".

*

در دنیای پر آشوب امروز تنها شما قربانی بیدادگری نیستید. شمار ستمدیدگان جهان سر به هزاران هزار می‌زند. هر ساله دفاتر سازمان‌های حقوق بشر مملو از تقاضاهای جوامع مختلف برای رسیدگی به مظالم وارده بر اقلیتهای دینی، قومی، ملی و اجتماعی است. به فرموده حضرت بهاءالله: "امروز ناله عدل بلند و حنین انصاف مرتفع دود تیره ستم عالم و امم را احاطه نموده". آنچه مخصوصاً سبب تشویش خاطر بعضی از ناظران آگاه و تیزبین شده این است که صدمات روحی و روانی ناشی از ظلم و ستم به مراتب بیش از لطمات جسمانی و مادی آن است. بنظر ایشان هدف عاملان این گونه تعدیات و تضییقات آنکه روحیه فرد قربانی را تضعیف کنند، حیثیتش را از بین ببرند، حقوق فردی و اجتماعی او را سلب نمایند و بدین ترتیب خود را مجاز دانند که کمترین ملاحظه‌ای نسبت باوروا ندارند. در نتیجه ادامه چنین شرائطی چه بسا قربانیانی که اعتماد به نفسشان را از دست دادند، از روحیه ابتکار که خصیصه طبیعت انسانی است عاری گشتند، عزم و اراده خود را باختند و بازیچه دست حاکمانشان شدند و چه بسا افرادی چنان بآن وضع خوگرفتند که در فرصت مناسب خود نیز همان رفتار ظالمانه را نسبت بدیگران روا داشتند.

حال اهل بصیرت مترصدند که بدانند چه نیروئی شما عزیزان را از این گونه فرسودگی روحانی محفوظ داشته است و با استفاضه از چه منبع الهامی توانسته‌اید قلوبتان را از نفرت و کینه پاک و منزّه سازید

و با آنان که بر شما ستم روا داشته‌اند با بزرگواری و عظوفت رفتار نمائید و محبت جاودانه خود را نسبت به سرزمینی که در آن متحمل بلاهای لاتحصی شده‌اید حفظ کنید. چگونه است که بعد از يك قرن و نیم مقاومت در مقابل تضييقات متتابعه و علیرغم برنامه‌های منظم جهت ریشه‌کن ساختن جامعه بهائی هنوز شما در مساعی خویش برای رسیدن باهدف عالی روحانی و اخلاقی با عزت و افتخار ثابت قدم مانده‌اید؟ این بیان منیع مبارک حضرت بهاءالله جوابگوی آن پرسشهاست:

هر ناری محمود مشاهده می‌شود مگر ناری که لَحَبَّ الله در قلوب ظاهر و مشتعل است هر شجر محکمی را اریاح قاصفه براندازد مگر اشجار بستان الهی را و هر سراجی خاموش مگر سراج امر الهی که در وسط عالم روشن و منیر است اریاح بر نورش بیفزاید و اطفاء او را نیابد.

پاسخی که تاریخ به جویندگان رمز قوای روحانی بهائیان ایران خواهد داد این است که شما عزیزان پرورده دست باغبان آن بستان الهی و صنع چنین کلمات خلاقه یزدانی هستید: ”ای دوستان سراپرده یگانگی بلند شد بچشم بیگانگان یکدیگر را مبینید همه باریک دارید و برگ یک شاخسار“. ”محبت نور است در هر خانه بتابد و عداوت ظلمت است در هر کاشانه لانه نماید“. ”اگر انسان به قدر و مقام خود عارف شود جز اخلاق حسنه و اعمال طیبیه راضیه مرضیه از او ظاهر نشود“. ”باید کل الیوم با سبابی تمسک نمایند که سبب اصلاح عالم و دانائی امم است“. ”لسان از برای ذکر خیر است او را بگفتار زشت میلانید“. ”اناث و ذکور عندالله واحد بوده و هست“. ”یک ذره‌ای از عصمت اعظم از هزار سال عبادت و دریای معرفت است“. ”کل را به صنعت و اقتراف امر نمودیم و از عبادت محسوب داشتیم“. ”امانت باب اعظم است از برای راحت و اطمینان خلق“. ”دانائی سبب علو و سمو است. انسان را از خاک به افلاک رساند و از تاریکی به روشنائی کشاند. اوست نجات دهنده و حیات بخشنده. کوثر باقی عطا کند و مائده منزله بخشد“.

جوهر این آیات مبارکه در این نصیحت مشفقانه حضرت عبدالبهاء که همه از کودکی با آن پرورش یافته‌اید نهفته است: ”بهائی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی“.

واقع بینی و چاره‌جویی و کاردانی و ابتکاری که در سالهای اخیر از خود به ظهور رسانیده‌اید سبب تسکین قلوب بهائیان و تحسین دیگران در سراسر جهان گشته است. هنگامی که فرزندانان بعلت تمسک به امر الهی از مدارس اخراج شدند به تشکیل کلاسهای درسی در منازل خود اهتمام ورزیدید. در سطح دانشگاهی موسسه علمی آزاد را بنیان نهادید. اگرچه این اقدام جوابگوی احتیاجات هزاران جوان بهائی که هنوز بیرحمانه از فیض تحصیل در ایران محرومند نیست اما مایه افتخار است که امروز بعضی از

فارغ التحصیلان آن مؤسسه در دانشگاه‌های معتبر جهان به ادامه تحصیلات عالی خود مشغولند. به یمن تبرّعات فداکارانه شما نه تنها هیچیک از یاران در آن دیار نیازمند نمانده بلکه مخارج لازم جهت فعالیت‌های آن جامعه نیز تأمین شده است. بلی، در شرائطی چنین دشوار جامعه بهائی ایران مستغرق در بحر آثار مبارکه الهیه با شور و هیجان به حیات و ترقیات روحانیّه خویش ادامه می‌دهد و این شوق و شور فقط می‌تواند ثمر محن و بلائی در سبیل الهی باشد.

ثمرات روحیه فداکاری و استقامت شما عزیزان در طول بیش از یک قرن نه تنها در ایران بلکه در سراسر عالم مشهود بوده است. امروز هیچ نقطه‌ای در جهان نیست که از خدمات لایقه احبای عزیز ایران در جهت نشر تعالیم الهی و تأسیس و تحکیم مؤسسات امری سهمی وافر نبرده باشد. توفیقات حاصله البتّه محدود به عرصه حیات روحانی جامعه بهائی نیست چنان که کمتر رشته علمی یا هنری و یا صنعتی را می‌توان نام برد که بهائیان ایرانی به خصوص جوانان در آن به کسب اعلی مراتب کمال که به کرات مورد تأکید حضرت عبدالبهاء قرار گرفته موفق نشده باشند. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند در مدتی کوتاه به چنین قوه و استعدادی دست یابد و ظهور این کمالات و فضائل را نمی‌توان صرفاً مرهون اراده بشری دانست. حیات و خدمات مهاجران بهائی ایرانی ثمره فرهنگی است که تعلیم و تربیت را ارج می‌نهد، و در دامان این فرهنگ است که این عزیزان و نسل‌های قبل از ایشان در موطن خویش با عشق و محبت پرورش یافته‌اند.

صاحبان انصاف آن یاران را شاهد صادقی بر این مدعا می‌دانند که ایمان به خدا و اعتقاد به حقیقت تجدد با یکدیگر سازگارند و توفیقات شما نشانی از این است که فی الحقیقه علم و دین دو نظام دانائی مستقل اما مکمل یکدیگرند و محرک پیشرفت تمدن. این حقائق بر بسیاری از آشنایان مسلمان شما نیز روشن شده و می‌شود. این آشنایان و همسایگان که براسستی مصداق آیه "امّة یدعون الی الخیر" اند با خشم و تأسف شاهدند که دوستانی که بیگناهی‌شان در نظر ایشان محرز است بدون هیچگونه حفاظت و حمایت قانونی مورد بهتان و هجوم قرار گرفته‌اند. ایشان شاید حتی بیش از خود شما بشهامت و نجابتی که در خلال این تضییقات از خود نشان داده‌اید واقف و بتدریج به صفات واقعی کسانی که با اذیت و آزار شما حرمت اسلام را آلوده می‌سازند پی‌برده و می‌برند. اگرچه شما حبیبان معنوی هنوز از آزادی محرومید اما در آستانه آنید که مقام و موقعیت خود را به عنوان عضو شریف جامعه ایران کسب نمائید و بالمآل اهل آن دیار خدماتی را که ید قدرت پروردگار برای آن پاک‌اندیشان جهت عزت و منقبت کشور مقدّس ایران مقدر فرموده غنیمت خواهند شمرد.

بزرگترین اشتباهی که طبقات حاکمه می‌توانند مرتکب شوند این است که تصوّر کنند با قدرتی که برای خود غصب کرده‌اند می‌توانند سدّ و مانعی برای قوای مستمر تغییر و تحولات تاریخی باشند. امروز چه در ایران و چه در دیگر نقاط جهان سیل این تحولات با سرعت و قوّت در جریان است. نه وجودش را می‌توان انکار کرد و نه مسیرش را منحرف نمود و نه از شدّت و قدرتش کاست. از در و دیوار می‌گذرد و به درون خانه راه می‌یابد.

دلیل اصلی اینکه علماء و امراء از بدو ظهور به مخالفت با امر حضرت بهاء‌الله قیام نمودند آن بود که حضرتش را مؤسس جامعه‌ای بدیع مبتنی بر برابری و عدالت اجتماعی میدیدند که در آن، جا و مقامی برای خود نمی‌یافتند. این بیم و هراس از آن زمان تا کنون انگیزه بروز شدائد و بلایای متوالیه بر آن سالکان سبیل محبّت و وفا بوده و هیچ شخص منصفی انکار نخواهد کرد که علی‌رغم این مظالم جامعه بهائی اقلیتی خلاق و نمونه‌ای از تمدن آینده مورد نظر حضرت بهاء‌الله و نشانه‌ای از اراده آهنین آن جمال مبین برای تحقّق مقصد اعلاّی خویش است. شما ستاینندگان اسم اعظم در مهد امرالله با خدمات صادقانه خود و با از خود گذشتگی و حتّی نثار جان به ثبوت رسانیده‌اید که براستی آرزومند پیشرفت و ترقّی کشور ایرانید، ایرانی که حضرت عبدالبهاء در باره آن چنین می‌فرماید:

افق ایران از پرتومه آسمان روشن و منیر گردید. عن قریب آفتاب عالم بالا چنان بدرخشد که آن اقلیم اوج اثیر گردد و به جمیع جهان پرتو اندازد و عزّت ابدیّه پیشینیان دوباره چنان ظهور نماید که دیده‌ها خیره و حیران گردد.

ایران مرکز انوار گردد این خاک تابناک شود و این کشور منور گردد و این بی نام و نشان شهیر آفاق شود و این محروم محرم آرزو و آمال و این بی بهره و نصیب فیض موفور یابد و امتیاز جوید و سرفراز گردد.

این مشتاقان در اعتاب مقدّسه منوره آن باسلان میدان خدمت و وفا را در ادعیه قلبیه خویش یاد می‌کنند. شب تیره تضحیقات بسراید و عظمت و جلال بنیان قوی الارکانی را که با جانبازی و فداکاری بنا نموده‌اید با سرور و مباهات مشاهده خواهید کرد.

بیت الرّحمن